



تشریح مبانی، اصول و اولویتهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز

حمیدرضا محمد تقی زاده

دبیر ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز

به نظر می‌رسد در مورد این که چه چیزی می‌تواند به حل مشکل قاچاق کمک کند، دو بحث، مهم‌تر از بحث‌های دیگر است: یک موضوع این که ما بتوانیم نگاهمان را در موضوع قاچاق در کل کشور به صورت یک نگاه دقیق و منسجم درآوریم؛ یعنی تمام دستگاه‌هایی که می‌توانند در موضوع مبارزه با قاچاق تأثیرگذار باشند نگاه منسجم و واحدی به موضوع داشته باشند.

برای این که ما بتوانیم یک نگاه منسجم را در ستاد داشته باشیم، اصولی را در مبارزه تعریف و از آن پیروی می‌کنیم سپس، دستگاه‌ها را به آن سمت سوق می‌دهیم و آن‌ها را تشویق می‌کنیم که از آن اصول مبارزه پیروی کنند. این اصول عبارت‌اند از: مردمی کردن مبارزه؛ مشارکت دادن مردم در مبارزه؛ همه‌جانبه‌بودن مبارزه؛ استمرار مبارزه در تمام مراحل؛ انضباط‌بخشی به چرخه‌ی پول و کالا و نظارت بر این انضباط؛ پیش‌گیری از قاچاق و اولویت دادن پیش‌گیری نسبت به کارهای مقابله‌ای؛ بازدارندگی و بالا بردن هزینه‌ی قاچاق در حقیقت این‌ها اصولی هستند که ما در ستاد از آن پیروی می‌کنیم.

بحث دوم این است که ما بعد از این که نگاه درستی به موضوع قاچاق پیدا کردیم، بتوانیم اراده، توان، اختیارات و امکانات را در این مبارزه بسیج کنیم. ما این دو موضوع را به عنوان دو رکن در مبارزه پی‌گیری می‌کنیم.

به نظر ما در حقیقت، تئوری کامل مبارزه، "همه‌جانبه‌بودن" آن است؛ به این عنوان که ما بتوانیم علاوه بر مبارزه‌ی انتظامی، مبارزه‌ی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، جزایی و کیفری را هم در کنار این موضوع داشته باشیم. بعضی می‌گویند در مبارزه باید کار فرهنگی کرد؛ بعضی کار پیش‌گیری را اصل می‌دانند؛ بعضی می‌گویند باید مقابله‌ی انتظامی کرد؛ بعضی دوستان هم می‌گویند اگر ما تعرفه را پایین بیاوریم می‌توانیم موضوع قاچاق را حل کنیم. شاید هم ما به نوعی می‌توانیم صورت مسئله را پاک کنیم؛ یعنی درآمدهای دولت را پایین بیاوریم و بازارمان را در اختیار کالایی که تا امروز به صورت قاچاق وارد می‌شده قرار دهیم، قبلاً با قاچاق بازار را می‌گرفتند، بعد از این تعرفه، را پایین بیاوریم و بازار را با یک درآمد نسبی که می‌توانیم حاصل

ما به دنبال این هستیم که این مبارزه را استمرار بدهیم، ابعادی از مبارزه را که توانستیم به نقطه‌ی قوت مبارزه تبدیل کنیم و آن را ادامه دهیم، و کم رنگ یا بی‌رنگ نکنیم و موضوع قاچاق را دچار افت نکنیم.

احساس من این است که اهتمام و توجه دوستان به درک ابعاد فرمان رهبر معظم انقلاب است؛ فرمانی که به عنوان فصل الخطاب مرز مبارزه، نحوه‌ی مبارزه، نحوه‌ی همکاری و تعامل دستگاه‌ها با هم و با ستاد و وحدت عمل آن‌ها، به طور کامل در آمده است و دوستان خودشان و اعضای کمیسیون‌ها باید در جلسات مختلف ناپیوسته این فرمان را بگویند؛ مرور کنند؛ محور قرار دهند؛ و با فرمان ارتباط داشته باشند تا از یاد نرود.

بعضی‌ها وقتی راجع به ابعاد قاچاق صحبت می‌کنند، نمی‌دانند مثلاً ما باید چگونه با قاچاق مبارزه کنیم. به نظر من چارچوب‌های مبارزه در فرمان آمده و ما هم با تدوین اصول مبارزه ابعاد آن را تبیین کرده ایم. در دیدگاه، ابهامی نسبت به قاچاق و ابعاد قاچاق وجود ندارد؛ دیدگاه کلی ما روشن است. بعضی‌ها می‌گویند قاچاق را در مرز، شهرهای مرزی یا در داخل کشور پی‌گیری کنیم، یا در دریا و یا در ساحل. در بازار و در مسیرها چطور؟ ببینید در این تئوری‌هایی که مطرح است، بعضی‌ها می‌گویند باید داخل بازار دنبال آن بگردید. بعضی می‌گویند بروید و مرز را محکم بچسبید. تئوری رهبر معظم انقلاب، تئوری «مبارزه‌ی همه جانبه» است. منتهی در موضوع خودش، در کالای خودش و در استان خودش اولویت‌ها تغییر می‌کند. وقتی می‌گوییم در این استان اولویت این است یا در استان دیگری می‌گوییم اولویت این نیست، به خاطر شرایط هر استان است و گرنه می‌روند آن طرف مرز، دبی، امارات یا حتی عراق هر چیزی را که بخواهند با کوله‌بار، کشتی، ترانزیت و... در تهران تحویل می‌دهند. شما هر چه را که بخواهید در تهران تحویل می‌دهند، پس ما اولویت کالایی نداریم؛ بلکه برای ما بحث

مبارزه زحمت‌هایی کشیده شده و در حقیقت قوانین و مقرراتی شکل گرفته و روش‌هایی تعیین شده است که قاچاق را به چه شکلی و در کجا کنترل کنند. اما چیزی که در سیستم‌های ما عرف است این است که این‌ها به فراموشی سپرده شده و مبارزه استمرار لازم را پیدا نمی‌کند.

ما به دنبال این هستیم که این مبارزه را استمرار بدهیم، ابعادی از مبارزه را که توانستیم به نقطه‌ی قوت مبارزه تبدیل کنیم و آن را ادامه دهیم، و کم رنگ یا بی‌رنگ نکنیم و موضوع قاچاق را دچار افت نکنیم



کنیم، به طور رسمی در اختیار آن‌ها قرار دهیم. یعنی وقتی نمی‌توانیم کنترل و مدیریت کنیم که چه کسانی، چه کالایی را و از کجا بیاورند و چه نکاتی رعایت کنند، باید این‌گونه عمل کنیم. بعضی این نوع پیش‌نهادهای مطرح و یا از آن حمایت می‌کنند. البته جا دارد به این نکته بپردازم که در تمام کشورها، بازار مصرف آن کشورها از بعد اقتصادی یک سرمایه است؛ یعنی یکی از توافقات مهم بین کشورها دسترسی به بازار آن کشورهاست؛ ولی در کشور ما این موضوع مورد توجه نیست و کالا از راه‌های غیررسمی و قاچاق، به شدت در بازار ما عرضه می‌شود. بعد دیگر اهمیت بازار، تأثیر بر ایمنی، استاندارد، بهداشت و فرهنگ کشور است؛ یعنی چه کالایی با چه استانداردی، و با چه معیارهای بهداشتی و فرهنگی‌ای وارد کشورها شود. که در کشور ما به این موضوع کاملاً بی‌توجهی می‌شود و لذا ما صدمات و لطمات شدیدی از این رابطه هم متقبل می‌شویم. نه این که ما قوانین یا بخش اجرایی نداریم، بلکه بی‌توجه هستیم؛ حساسیت نداریم که چه کسانی چه نوع کالایی را وارد کشور می‌کنند که ما بخوریم یا بپوشیم، و یا فرزندان ما با آن‌ها بازی کنند و یا ما در منزل استفاده کنیم و این یک مسئله‌ی مهم است. اما اگر ما یک مبارزه‌ی همه جانبه داشته باشیم، باید بتوانیم در همه جای کشور از همه نوع ابزار برای مبارزه استفاده کنیم. فقط آن چیزی که برای نقاط مختلف فرق می‌کند این است که بتوانیم اولویت منطقه‌ای، کالایی و اولویت‌های دیگرمان را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به درستی درک کنیم. در حقیقت ما این بحث را به عنوان تئوری «مبارزه‌ی همه جانبه» مدنظر داریم و این راه؛ راه اصلی در مبارزه می‌دانیم.

از اصول دیگری که عرض کردم موضوع «استمرار مبارزه» است. شما به درستی می‌دانید که در مسئولیت‌های قبلی ستاد در بحث مبارزه یا در همین زمانی که هستیم، در استمرار

اولویت روش‌ها و موضوعی، مهم است.

در فرایند قاچاق، این که ما در هر استان چیزی را در اولویت قرار دهیم، برای ما آن موضوع در آن استان اصل است، چه در رابطه با کالا و چه اولویت آن موضوعی که اقتدار نظام را مخدوش می‌کند. اگر می‌خواهیم ببینیم که ما اول برای مبارزه، روی چه کالایی در استان باید سرمایه‌گذاری کنیم و اولویت اول چه باشد، باید توجه کنیم که کجا اقتدار ما بیش‌تر مخدوش می‌شود. مثلاً اول باید روستایی را جمع کنید که آن جا بازار رسمی قاچاق شده، و در آن جا همه چیز، از مشروب، رسیور ماهواره، فیلم‌های مبتذل و مستهجن و ... گرفته تا دمپایی و روان‌نویس قاچاق می‌شود. باید به موضوعی که اقتدار نظام را خراب کرده و آشکار و واضح در رؤیت همه هست اولویت بدهیم و گرنه مردم می‌گویند مگر دولت

وجود ندارد که اوضاع این طور است؟ از این‌رو اولویت اول ما آن جاست. بنابراین این گونه نباشد که وقتی به مرز می‌رویم ببینیم یک کاروان مثلاً شامل ۶۰۰ قاطر دارد می‌رود. در این صورت مردم می‌گویند پس حکومت در این جا چه کاره است؟ مردم می‌گویند اصلاً بودن و نبودن شما چه فایده‌ای دارد؟ اولویت ما در مبارزه، موضوعی است که اقتدار نظام را مخدوش کرده باشد.

نکته‌ی بعدی تأکید بر انضباط اقتصادی است. آن‌چه انضباط اقتصادی را مخدوش کرده باشد، اولویت ماست. و ما برای آن سه محور کلی هستیم: ۱- سامان‌دهی مبادلات در مرز؛ محور این موضوع قانون مبادلات مرزی مربوط به سال ۸۵ است که قانونی خیلی خوب، جامع و با آیین‌نامه‌ای بسیار خوب است؛ قانون متعلق به گذشته هم نیست که از ذهن‌ها رفته و کهنه شده باشد. بحث مرز و سامان‌دهی مبادلات با محوریت قانون و آیین‌نامه‌ی مبادلات مرزی یکی از محورهای انضباط اقتصادی است که در بحث‌های پیش‌گیرانه به آن می‌پردازیم. ۲- کنترل دپوها، انبارها و تجمیعی؛



۳- پیش‌گیری در بازار؛ بازار یک کار نرم‌افزاری است. در این جا دو نکته داریم: اول گفتیم که نیروی انتظامی در بازار وارد نشود. متأسفانه وزارت بازرگانی نیز دستوری داد که با انبارها برخورد نکنند. پی‌گیری می‌کنیم اما انبارها بازار نیست. بازار مغازه‌هاست؛ از این رو در موضوع بازار، کار نرم‌افزاری همچون هالوگرام زدن؛ کدینگ کالا، بحث قانون ارزش افزوده، فاکتور محوری و ... مطرح است این همان پیش‌گیری از جنس نرم‌افزاری است و از مهم‌ترین محور کار پیش‌گیری در بازار است. افزون بر سه محور یاد شده، موضوع دیگری هم به عنوان سامان‌دهی در دستور کار داریم و آن روان‌سازی و تخصصی کردن تجارت است. می‌دانید که تقریباً بیش‌ترین کاری که در کشور ما به طور عام و بی‌تخصص انجام می‌شود بازرگانی است. شما هرکاری

بخواهید انجام دهید باید زمینه‌ی مهارتی آن را داشته باشید؛ مثلاً اگر بخواهید مغازه دایر کنید باید از صنف تخصصی آن مجوز بگیرید. بخواهید خیاطی کنید یا باطری‌سازی کنید و یا مکانیکی کنید، برای همه‌ی این کارها باید مجوزی بگیرید. اگر شما کارگر هم باشید باید در بالا انداختن آجر از بنا تأیید بگیرید و اگر بخواهید بنا شوید باید اول کارگر شوید و بعد از کارگری به بنایی برسید. اما متأسفانه در تجارت این طور نیست. کسانی که بخواهند کار تجاری کنند، با صد هزار تومان شرکت تاسیس می‌کنند و یا بدون پیش‌شرط، کارت بازرگانی و مجوز هم می‌گیرند و تاجر می‌شوند. غیر از این، دیگر چیزی وجود ندارد. این موضوع هم از بحث‌های جدی‌ای است که ستاد، پی‌گیری می‌کند و امیدواریم که به خواست خدا بتوانیم آن را در آیین‌نامه‌ی روان‌سازی، و جزء مسائل پیش‌گیرانه پی‌گیری کنیم.

و اما در مبحث مقابله، اگر شما هزار پرونده‌ی زیر یک میلیون را بگیرید، خرد کنید، کم و زیاد کنید، به اندازه‌ی یک پرونده‌ی میلیاردی اثر ندارد. در یکی از

اصل ماجرا دانه درشت‌ها هستند؛ کسانی که قاچاق را سامان‌دهی می‌کنند. بعضی گفتند در برخی از شهرهای مرزی، وضع دست‌اندرکاران قاچاق آن قدر خوب شده که خانه‌هایی ساخته‌اند که در استان‌های مرکزی کشور کم‌تر دیده می‌شود

هر نوعی از کالاها را با قاطر می‌آورند، تجمیع می‌کنند، یا مسافر را به بردگی می‌برند و کالاها را تجمیع می‌کنند و یا به فرض مثال ته‌لنجی تجمیع می‌کنند (ملوانی تجمیع می‌کنند)، هر نوعی که تجمیع کنند، ابعاد و حاشیه‌های آن در قانون مبادلات مرزی روشن است؛ بنابراین هر نوع دپو و انبار و تجمیعی موضوع کنترلی ماست.

عقلانه است که مقدمات خود را به اولویت‌ها اختصاص دهیم. علم مدیریت هم همین یک جمله است که مقدمات را به اولویت اختصاص دهیم. ما وقتی توان کم داریم باید آن را روی اولویت‌مان اختصاص بدهیم. اولویت ما با آن کسی است که قاچاق را سامان‌دهی می‌کند، نه کسی که کوله‌بار را بر می‌آورد. از این رو در همه‌ی استان‌ها به اولویت توجه کنید و اولویت ما دانه‌درشت‌ها هستند.

و مسئله‌ی آخر این که ما باید بتوانیم موضوع را برای مردم درست بیان کنیم. ما باید بتوانیم معضل قاچاق و تبعات آن را برای مردم درست تبیین کنیم. مردم باید بدانند که ما یک خسارت فوری از قاچاق در کشور داریم و آن حقوق دولت است که پرداخت نمی‌شود و ضایع می‌شود؛ یعنی همان تفاوت قیمتی بین کالایی که یک تاجر درست‌کار آورده و قاچاقچی آورده است. (قاچاق غیر از این، مشکلات دیگری هم برای مردم ایجاد می‌کند؛ بکه یکی از آن‌ها در تمام کشور، بحث بی‌کاری است. تقاضای اول مردم از دولت و بحث اشتغال مولد است که در حقیقت پایه‌ی زندگی آن‌ها در آن شکل می‌گیرد. اصولاً بحث ازدواج، تشکیل زندگی و به طور کلی موضوع هویت اجتماعی متأثر از اشتغال مولد و پایدار است. اگر بتوانیم برای مردم درست تبیین کنیم و مردم بدانند که این حجم قاچاقی که وارد کشور می‌شود و مردم خودمان نیز مصرف‌کننده‌ی آن هستند و همین مصرف‌کننده‌ها با دست و اقدام خود به کشور، به سرمایه‌گذاری‌هایی که دولت در موضوع اشتغال انجام می‌دهد خسارت می‌زنند و بدانند که تبعات آن نیز این است که در همان منزلی که دارد کالای قاچاق یا کالای خارجی مصرف می‌شود، جوان آن منزل بی‌کار هست و شغل برایش پیدا نمی‌شود، به نظر می‌رسد که می‌توانیم مبارزه را مردمی کنیم؛ یعنی مردم بدانند که تبعات قاچاق، سود آبی و زرق و برقی که قاچاق دارد، یک بحث گذرا است؛ ولی موضوع عمیق آن، همان خسارتی است که در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی به بار خواهد آمد و این، محور کار فرهنگی ماست. ■

که برای پرونده‌هایی با چنین ارزشی، داریم چند برابر هزینه می‌کنیم. اصل ماجرا دانه درشت‌ها هستند؛ کسانی که قاچاق را سامان‌دهی می‌کنند. بعضی گفتند در برخی از شهرهای مرزی، وضع دست‌اندرکاران قاچاق آن قدر خوب شده که خانه‌هایی ساخته‌اند که در استان‌های مرکزی کشور کم‌تر دیده می‌شود. در یکی



از استان‌ها گفتند که این جا رسم شده که وقتی قاچاقچیان میلیارد می‌شوند برای آن‌ها جشن میلیاردی می‌گیرند. گفتیم این برای شما خیلی خوب است. از این به بعد می‌توانید رصد کنید و بشمارید که قاچاقچیان اصلی چه کسانی هستند، البته قاچاق‌چیان بزرگ که پنهان نیستند. شما می‌بینید که در شهرهای مرزی، مردم هم می‌دانند چه کسی قاچاق‌چی گردن کلفت است. وقتی می‌گوییم روی دانه‌درشت‌ها کار کنید، نگویید پول می‌خواهد. این همه پول و امکانات داریم. فقط به جای کار روی خرده پاهای، روی باندها و دانه‌درشت‌ها کار کنید. چرا باید ما در آن جا مردم را اذیت کنیم؟ چه کسی کالا را می‌آورد تجمیع می‌کند؟ لنج‌دارها و افراد خرد تجمیع می‌کنند و به تهران، اصفهان، مشهد و تبریز می‌آورند؟ چه کسی از مرز تجمیع می‌کند تا تهران و شهرهای مرکزی؟ من با تأکید به شما می‌گویم که نباید ایست و بازرسی را جمع کرد؛ نباید کنترل‌ها را جمع کرد. هر چیزی سر جای خودش؛ اما اولویت کدام است؟ اگر ما در مدیریت توان نداریم، وقت، انرژی، پول و امکانات کم داریم،

استان‌هایی که درگیری جدی با قاچاق وجود دارد و ۲۴/۵ درصد پرونده‌های قاچاق کشور و ۲۴ درصد پرونده‌های دست‌گیری‌های کشور نیز مربوط به آن استان است، در آمار چهارماهه‌ی سال قبل آن استان، متوسط پرونده‌ها نزدیک به ۳ میلیون تومان و ارزش جرمه‌ای که دریافت کرده‌اند ۰/۴٪ است.

تمام صحبت‌های دوستان در جلسه‌ای که ما در آن استان گذاشتیم، مبنی بر این بود که ما نباید مردم را اذیت کنیم، نباید گرفتار کنیم، چون مردم گرفتارند؛ معیشت آن‌ها ضعیف است. گفتیم آمار عکس این رانشان می‌دهد؛ چرا که اگر این طور است که می‌گویید، پس چرا خودتان همین کار را کردید؟ چرا مردم را اذیت کردید؟ شما دست‌اندرکاران مبارزه، استانداری، اطلاعات، نیروی انتظامی، گمرک، کاشف، رسیدگی‌کننده‌ی قضائی در استان، ۲۴ درصد دست‌گیری کشور را در این استان انجام داده‌اید. پرونده‌های قاچاق آن استان، ۲۴/۵ درصد پرونده‌های کشور را تشکیل داده بودند و ۰/۴٪ جرمه گرفته بودند؛ ولی متوسط ارزش پرونده‌های آن‌ها ۳ میلیون تومان بود.

امروز متوسط ارزش پرونده‌های کشوری ما ۱۱ میلیون تومان است. ما برای ۱۱ میلیون تومان این همه پرونده تشکیل داده‌ایم. اگر شما سیر مراحل کار اطلاعاتی تا کشف، شکایت، گمرک، انبارداری و ... را مرور کنید می‌بینید که اصلاً صرف نمی‌کند؛ چرا